

ای صبح فتح تو میلاد روشنی
باید این زمان ریشه ی ظلمت بر کنی
بیرق سپیده را بر جهان زنی
ای صبح پر شکوه بر فرق شب بتاب
تا بر لوح شب نقشی از خورشید افکنی
برخیز بر خروش آتشی از نای تفنگ
آنچنان برخوان نغمه ی تکبیر تا شکافد قلب سنگ
از دل و از جان شو سوی میدان
با سلاح عشق و ایمان
وقت است بی درنگ بر کشی از گلوی دیار
دل به دریا زن تا تو را باشد
ناخدایی همچون امام
همتی کن تا انقلاب ما جاودان گیرد انسجام